

ترجمه و تحقیق امیرحسین ساکت

رساله
حجج پروکلس در قدم عالم

یونانی، عربی، فارسی

www.ketab.ir



انتشارات حکمت
تهران، ۱۴۰۳



انبار کتاب

سرشناسه: پروکلس، ۴۱۰-۴۸۵ م. 410-485 Proclus, approximately
عنوان: رساله حجج پروکلوس در قدم عالم (یونانی، عربی، فارسی)
ترجمه و تحقیق امیرحسین ساکت
مشخصات نشر: تهران: حکمت، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص
شابک: 978-964-244-238-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: De aeternitate mundi

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان

«On the Eternity of the World» به فارسی برگردانده شده است.

موضوع: کیهان‌شناسی -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: Cosmology -- Early works to 1800

موضوع: ازلیت و ابدیت -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م.

موضوع: Eternity -- Early works to 1800

شناسه افزوده: ساکت، امیرحسین، ۱۳۶۰-، مترجم

رده‌بندی کنگره: BV۰۱

رده‌بندی دیویی: ۱۱۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۴۸۴۴۳۶



کتابخانه ملی و اسناد ایران
جمهوری اسلامی ایران



انتشارات حکمت

نشانی دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴
کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵ • تلفن: ۰۶۶۲۶۱۲۹۲ | ۰۶۶۴۱۵۸۷۹ • نمابر: ۰۶۶۴۰۶۵۰۵
www.hekmat-ins.com | info@hekmat-ins.com
hekmatpub | 09394402251

رساله حجج پروکلس در قدم عالم

ترجمه و تحقیق: امیرحسین ساکت (عضوهیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)
طراح جلد: حسین فیلی زاده
نوبت چاپ: اول ■ ۱۴۰۳ شمسی ■ ۱۴۴۵ قمری
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۲۳۸-۶
حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی-هنری حکمت

© (کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات حکمت است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.



فهرست

۱۱

مقدمه

بخش نخست

پروکلوس، احوال و افکار

۱۷

۱. احوال و آثار

۲۵

۲. وجودشناسی و مسئله علیت

۳۷

۳. جهان‌شناسی

بخش دوم

پروکلوس، یونانیان و مسئله زمان

۴۹

۱. زمان و سرمدیت در رساله حجج

۵۳

۲. زمان و سرمدیت نزد افلاطون

۶۱

۳. زمان و سرمدیت نزد ارسطو

۶۹

۴. زمان و سرمدیت نزد فلوپتین

۷۷

۵. زمان و سرمدیت نزد پروکلوس

بخش سوم

رساله حجج پروکلوس در قدم عالم

۹۵

۱. معرفی رساله حجج

۱۰۵

۲. تحلیل ساختار و محتوای رساله

۱۱۵

۳. حجج پروکلوس در قدم عالم (ترجمه فارسی به انضمام متن یونانی و ترجمه عربی)

۱۰ | رساله حجج پروکلس در قدم عالم |

۴. جهان‌شناسی پروکلس در رساله حجج
خلاصه مطالب

۲۰۷

۲۱۷

۲۲۱

۲۳۵

۲۳۷

اصطلاح‌نامه

مآخذ

نمایه

www.ketab.ir

مقدمه

ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست
آنچه آغاز ندارد نپذیرد انجام

پروکلوس، فیلسوف نوافلاطونی قرن پنجم میلادی رساله کوتاه و در عین حال مشهوری در اثبات قدم عالم دارد که آن را با عنوان حجج پروکلوس در قدم عالم^۱ می‌شناسیم. این رساله را اسحاق بن حنین در قرن سوم هجری با عنوان «حجج برقلس فی قدم العالم» به عربی ترجمه کرده که نه حجت اول آن باقی مانده است. اهمیت این ترجمه به خصوص از آن جهت است که اصل یونانی حجت اول از دست رفته و تنها ترجمه عربی آن موجود است. تأثیر این رساله در فلسفه و کلام اسلامی در موضوع حدوث و قدم عالم بسیار بزرگ و گسترده بوده است. در اینجا به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که بسیاری از ادله متفکران مسلمان در موضوع حدوث و قدم مأخوذ از این رساله بوده است. ابن ندیم در ذیل تألیفات پروکلوس از این رساله با عنوان «کتاب الثمانية عشر مسئلة» نام می‌برد و به ردیه‌ای که یحیی نحوی بر آن نوشته است، اشاره می‌کند.^۲ همچنین

1. *De Aeternitate Mundi* (On the Eternity of the World)

۲. ابن ندیم، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش، ۳۱۲-۳۱۳.

شهرستانی خلاصه‌ای از این حجج را نقل کرده و مفصلاً به آنها پاسخ گفته است.^۱

جهان‌شناسی پروکلوس مانند بسیاری از افلاطونیان و نوافلاطونیان تحت تأثیر افلاطون و به ویژه محاوره تیمایوس است و از این رو درک مقصود او بدون آشنایی با این آثار ممکن نیست. اما مبادا گمان بریم که وی شارح و مقلد افلاطون است و آثار او خالی از هر ابتکار و بدعتی است. در حقیقت ابتکارات و افکار بدیع پروکلوس را باید در قرائت‌های ظریف و هوشمندانه وی از تعالیم افلاطون جست‌وجو کرد. افلاطون آثار خود را در طی سال‌ها نگاشته است و امروزه بر هیچ محقق پوشیده نیست که وی در طول حیات فکری خود بارها و در بسیاری از موضوعات تغییر رأی داده است. فیلسوف نوافلاطونی بدون عنایت به این نکته می‌کوشد تا از آثار و اقوال مختلف و بعضاً ناسازگار افلاطون روایتی واحد و منسجم عرضه کند که چه‌بسا از نظر یک محقق جدید نوعی تحریف به‌شمار آید. با این حال مهم این است که این روایت واحد هرگز میسر نمی‌شود، مگر در دیدگاهی وسیع‌تر و احتمالاً متفاوت با دیدگاه افلاطون و عظمت فکر نوافلاطونیان دقیقاً در گشودن این افق و دیدگاه جدید است.

نمونه‌ای عالی از این افکار و قرائت‌های بدیع در بحث پروکلوس از زمان و سرمدیت دیده می‌شود. وی اگرچه خود را شارح افلاطون می‌داند و همواره به اقوال او استناد می‌کند، در مسئله زمان و سرمدیت می‌توان دید که وی در تفسیر سخنان افلاطون تا چه اندازه از وی دور شده است. وی در چند فقره از رساله حجج به ماهیت زمان و سرمدیت اشاره کرده است، اما این مطالب در غایت اجمال بیان شده و درک مقصود او مستلزم رجوع به دیگر آثار او است.

۱. شهرستانی، محمد، الملل و النحل، به کوشش محمدبن فتح‌الله بدران، قم، ۱۳۶۷ش، قسمت دوم، ۱۵۷-۱۶۲.

در این کتاب پس از شرح آرا و احوال پروکولوس (بخش نخست)، در بخش دوم به بررسی نظر او درباره ماهیت زمان و سرمدیت می‌پردازیم و برای تبیین اهمیت کار وی خلاصه‌ای از نظریات افلاطون و ارسطو و فلوپطین را در این موضوع نقل می‌کنیم تا هم دین او به اندیشه‌های ایشان و هم سهم بسزای او در بسط و تکامل این اندیشه‌ها روشن گردد.

در بخش سوم، پس از تحلیلی کلی از محتوای رساله حجج، ترجمه فارسی این رساله به همراه اصل متن یونانی و ترجمه عربی آن از نظر خوانندگان خواهد گذشت. این رساله مشتمل بر هجده حجت مستقل در اثبات قدم عالم است که هریک مبتنی بر اصول و مفروضات و مفاهیمی است که اغلب از افلاطون و ارسطو اقتباس شده است. در انتهای ترجمه هریک از حجت‌های پروکولوس، تک‌تک آنها از حیث ساختار و محتوا تحلیل می‌شود و سابقه مفاهیم و اصطلاحاتی که در آنها به کار رفته است، بررسی خواهد شد. پروکولوس در ضمن واهین خود اجمالاً سیمایی از عالم و مبادی آن در مقابل چشم خوانندگان به تصویر می‌کشد که برای اطلاع از تفصیل آن باید به دیگر آثار وی رجوع کرد. ما سعی کرده‌ایم در بخش پایانی کتاب اجمالی از نظرات او را در این باب توضیح دهیم.

نویسنده دعوی یونانی‌دانی ندارد، اما به خوانندگان گرامی اطمینان می‌دهد که متن یونانی را به دقت و مشقت بسیار مطالعه کرده و آن را لفظ به لفظ با ترجمه‌های عربی و انگلیسی و آلمانی مقابله نموده است. بدیهی است که نتیجه نهایی خالی از اشکال نیست و لذا از خوانندگان آگاه تشکر دارد که در صورت مشاهده هرگونه اشکال یا اشتباهی خصوصاً در ترجمه رساله حجج، مترجم را رهین منت خویش سازند و قصور وی را متذکر شوند.

بر خود لازم می‌دانم از استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر ژانت بلیک که مختصر آشنایی خود با زبان یونانی را مدیون ایشان هستم و ترجمه متن یونانی زیر نظر ایشان صورت گرفته است، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. همچنین

از استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر حسین معصومی همدانی و جناب آقای دکتر صادق سجادی و جناب آقای محمد جواد انواری که در ترجمه فقراتی از متن عربی مرایاری و راهنمایی کرده‌اند، بی‌نهایت سپاس گزارم. اما بیش از همه مرهون الطاف استاد جلیل‌القدر، جناب آقای دکتر محمد ایلخانی هستم که در تمام مراحل از مشورت ایشان برخوردار بوده‌ام و تهیه این جریده جز به همت و تشویق ایشان میسر نمی‌شد.

www.ketab.ir